



رحمن عشریه^۱
رضا رنجبر*^۲

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.487969.1442>



دریافت: ۱۴۰۴-۰۱-۳۱
بازنگری: ۱۴۰۴-۰۴-۱۹
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۱۳
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۲۶

مقاله: پژوهشی

چکیده

یکی از مباحث علوم قرآنی که توجه بسیاری از اندیشمندان این حوزه را به خود جلب کرده، بحث اعجاز قرآن کریم است. اعجاز قرآن کریم دارای جنبه‌های مختلفی از جمله ادبی، بیانی، علمی، تربیتی، ریاضی، اخلاقی، اجتماعی، روانشناختی و... است. در عصر حاضر جنبه‌ی روانشناختی آن بخاطر کاربردی بودنش مورد توجه قرار گرفته است. اعجاز روان‌شناختی به معنای گزینش بهترین گزاره‌ها و آموزه‌ها برای هدایت بشر با نظر داشت زوایای پنهان و پیچیده و هم‌خوان با روح انسان است. مباحث روانشناختی همواره تاثیر مستقیمی بر تربیت اخلاقی انسان داشته و رابطه‌ای غیر قابل انکار میان این دو برقرار است؛ که نقش مهمی در هدایت و رستگاری انسان ایفا می‌کنند. این پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، با هدف تحلیل ظرفیت این گونه از اعجاز در تربیت اخلاقی متریان بدین رهیافت رسیده است که: قرآن کریم با آگاهی از شئون روان انسان و زوایای پنهان روح که مکشوف دانش نبوده است، مجموعه‌ای از مبادی، مفاهیم و اصول روانی را به کار بسته تا گزاره‌های هدایتی را به پویاترین و مانا‌ترین وجه ممکن، به متریان منتقل ساخته و تربیت صحیح را در آنان نهادینه سازد. برای تربیت اخلاقی بر مبنای دلالت‌های اعجاز روان‌شناختی قرآن باید سه سطح: «تبیین کلان»، «استخراج و تفسیر» و «سطح اجرایی» مد نظر قرار گیرد. برای پیوند میان اعجاز روان‌شناختی و تربیت اخلاقی، محورهایی را نظیر روش سلبی نرم؛ اصلاح روش‌مند؛ نهادینه‌سازی و ماناسازی؛ اعمال تکرار و تثبیت روان، می‌توان مورد توجه قرار داد. اعجاز روان‌شناختی قرآن با تربیت اخلاقی متریان پیوندی عمیق دارد و از این رهگذر، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ و تمدن دینی می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اعجاز روان‌شناختی، تربیتی، فرهنگ، تمدن.

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۰۰-۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.487969.1442>

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

reza.ranjbar137676@gmail.com



مسئله اعجاز قرآن کریم از مسائلی است که همواره نگره‌های گوناگونی درباره آن مطرح بوده است و بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران حوزه‌ی علوم اسلامی، به تالیفاتی در این زمینه پرداخته و وجوه مختلف آن را مورد بحث و بررسی قرار داده اند. یکی از وجوه اعجاز قرآن را می‌توان اعجاز روان‌شناختی‌اش برشمرد که احتمالات معنایی چندگانه‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد (مروبان حسینی، ۱۳۹۲، صص ۹۹-۱۰۰). اعجاز روان‌شناختی قرآن در نحوه اثرگذاری عمیق بر جان و روان مخاطب نهفته است؛ تأثیری که فارغ از بافت تاریخی نزول، همچنان در وجدان انسان معاصر نیز قابل احساس و بررسی است. این بُعد از اعجاز، به‌ویژه در حوزه تربیت اخلاقی، نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند و به شیوه‌ای ظریف اما مؤثر، ارزش‌ها و فضایل انسانی را در ناخودآگاه متربی نهادینه می‌سازد. اما آنچه این پژوهش از مفهوم اعجاز روان‌شناختی مطمح‌نظر دارد، چنین است: اعجاز روان‌شناختی، بدین معناست که قرآن کریم با آگاهی از شئون روان انسان و زوایای پنهان روح که مکشوف دانش نبوده است، مجموعه‌ای از مبادی، مفاهیم و اصول روانی را به‌کار بسته تا گزاره‌های هدایتی را به پویاترین و مانا‌ترین وجه ممکن، به متربی‌ان منتقل ساخته و عقائد صحیح را در آنان نهادینه سازد (طیب حسینی و مرتضوی، ۱۴۰۰، ص ۲۶۷).

جنبه روان‌شناختی از اعجاز قرآن، زمینه‌ساز تربیت متربیانی است که از درون تحول می‌یابند و نظام ارزشی آنان بر پایه «تزکیه»، «خشوع»، «احساس حضور خداوند»، «احساس مسئولیت» و «کنترل درونی» سامان می‌یابد (مطهری‌فر، ۱۴۰۰، ص ۹۷؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۶). این تربیت روانی-اخلاقی، نقش بنیادینی در ایجاد تمدن اسلامی دارد؛ چراکه تمدن برخاسته از انسان‌های خودساخته و متخلق به اخلاق قرآنی، تمدنی پایدار، عدالت‌محور و کرامت‌مدار خواهد بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۳؛ پارسافر، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱). بنابراین، ارتباط اعجاز روان‌شناختی قرآن با تربیت اخلاقی نه تنها بُعدی فردی، بلکه کارکردی تمدنی و فرهنگی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از قرآن به‌مثابه «متن تمدن‌ساز روانی» یاد کرد، متنی که هم پیام دارد و هم تغییر روانی و رفتاری ایجاد می‌کند.

اعجاز روان‌شناختی قرآن می‌تواند در حوزه‌های مختلفی اثرگذار باشد که یکی از آنها، حوزه تربیت اخلاقی فرزندان است. بر پایه مبنای مزبور، این کاربست‌های روان‌شناختی قرآنی‌اند که به تربیت اخلاقی انسان جهت داده، به آن صبغه‌ای الهی بخشیده و زمینه را برای تربیت مبتنی بر گزاره‌های اخلاق‌محور دین فراهم می‌سازند (ایزوتسو، ۱۳۷۸، صص ۵۲۱-۵۲۲). بنابراین، با نظر داشت ضرورت ابتدای فرآیند انتقال مفاهیم تربیتی-اخلاقی بر بهره‌گیری از کاربست‌های روان‌شناختی قرآنی و نیز ناگزیری تعیین چارچوبی محدود در مقاله‌ها، پژوهش کتابخانه‌ای حاضر- با بهره‌گیری از روش توصیف و تحلیل گزاره‌ها- تنها محوری را مورد بررسی قرار داده که پیوند مستقیمی با تربیت اخلاقی داشته و شاکله تربیتی هدفمندی را در این زمینه به انسان معرفی می‌نماید.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی سازوکارهای این تأثیرگذاری روانی قرآن و تبیین پیوند میان اعجاز روان‌شناختی آن و فرآیند تربیت اخلاقی متربی‌ان است. پرسش‌هایی نظیر: چگونه قرآن با بهره‌گیری از شیوه‌های روان‌شناختی به اصلاح رفتار و ارتقای اخلاق می‌پردازد؟ و نیز، این ویژگی‌ها چگونه می‌توانند الگوهای کارآمد برای نظام‌های تربیتی مبتنی بر تعلیم دینی فراهم سازند؟ از جمله محورهای اساسی در این واکاوی به شمار می‌روند.

در شرایط کنونی که نظام‌های آموزشی با چالش ضعف در پرورش اخلاقی روبه‌رو هستند، شناخت ظرفیت‌های نهفته در اعجاز روان‌شناختی قرآن، می‌تواند افقی نو برای بازسازی رویکردهای تربیتی اسلامی بگشاید؛ رویکردهایی که نه صرفاً آموزش‌دهنده، بلکه متحول‌کننده روان و منش متربیان‌اند.

پیشینه پژوهش

درباره اعجاز و تفسیر روان‌شناختی قرآن، پیش‌تر نگاه‌هایی به رشته تحریر درآمده که عناوین آنها از قرار ذیل است: «بررسی اعجاز روان‌شناختی قرآن» از مرویان حسینی و ابوذر حسینی (۱۳۹۲)؛ «اعجاز روان‌شناختی قرآن در گستره اجتماع» از رضایی اصفهانی و احمدی فر (۱۳۹۰)؛ «اعتبار سنجی نظریه اعجاز روان‌شناختی قرآن با تاکید بر آراء امین خولی» از مرتضوی و طیب حسینی (۱۴۰۰)؛ «تبیین مبانی تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم» از شیرزاد و رضایی اصفهانی (۱۳۹۹) درباره تربیت اخلاقی بر مبنای روان‌شناسی اسلامی نیز نگاه‌هایی نیز قابل بیان است: «تحلیل روان‌شناختی کارکرد ایمان در ساختار شخصیت بر مبنای آموزه‌های قرآنی» از شجاعی و حافظی (۱۴۰۱)؛ «روش مدل‌بایی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)، از نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۸)؛ «کارکردهای روان‌شناختی اخلاص بر اساس منابع اسلامی» از رحیمی، شجاعی و عباسی (۱۴۰۰)؛ «نشانیگان شاکرین در متون اسلامی و آثار روان‌شناختی آن» از جاویدپور و کهنساری (۲۰۲۳م)؛ «راهبردها و راهکنش‌های فرزندپروری در مقطع نوجوانی براساس متون اسلامی و روان‌شناسی» از افتخاری و سالاری فر (۱۴۰۱)؛ «کند و کاو در ترجیحات روش شناختی پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت در ایران» از مهرمحمدی (۱۳۸۶). بنابراین، عناوین و موضوعات نگاه‌شده‌های مزبور و نیز محتوای مندرج در آنها، حاکی از تفاوت کمی و کیفی با مقاله حاضر است زیرا این پژوهش با برقراری پیوند میان اعجاز روان‌شناختی و تربیت اخلاقی، در صدد بهره‌گیری از این رابطه است.

مبانی نظری

اعجاز روان‌شناختی

اعجاز، امری خارق‌العاده است که خداوند از طریق پیامبرش آن را به وجود می‌آورد تا نشان‌دهنده راستی رسالت و دعوت او باشد که از جمله مولفه‌های آن، همراهی با تحدی و مصون ماندن از معارضه مخالفان است. (ایچی، بی تا، ص ۳۳۹؛ فخررازی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۸۹؛ حلی؛ ۱۴۲۲ق، ص ۲۷۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۸۹)

روانشناسی شناختی، از جمله علمی است که ارتباط مستقیمی با نفس و روان انسان دارد اما با وجود همسانی موضوع این علم با علم روانشناسی و تشابه زمینه فعالیت آنها، دارای تفاوت‌هایی با یکدیگرند که آنان را از هم متمایز می‌سازد. در این رویکرد از روانشناسی، بیشتر پدیده‌ها حول محور تفکر و ذهن آدمی هستند که پایه‌های رفتار آدمی را شکل می‌دهند. برخی، این رویکرد از روانشناسی را به سیستم موجود در رایانه تشبیه کرده‌اند که اطلاعات را دریافت کرده و به پردازش آنها می‌پردازد و منشاء رفتار انسان می‌گردد. (اتکینسون، ۱۳۷۸، ص ۵۴) در شیوه روان‌شناختی، نکته سنجی روانی برای کشف عوامل روان‌آدمی بیشتر از روانشناسی است و به همین خاطر، شیوه روان‌شناختی نسبت به روان‌شناسی از گستردگی بیشتری نیز برخوردار است. (طیب حسینی، ۱۴۰۰، ص ۲۶۴)

بر پایه مزبور، در اعجاز روان‌شناختی قرآن، نظر داشت اصولی روان‌محور مراد است که در برهه صدر اسلام مورد توجه و مکشوف علم نبوده اما با توجه به وحی‌انیت قرآن و شناخت خداوند از زوایای پنهان روح و روان انسان، این اصول مطمح نظر قرار گرفته تا آموزه‌های هدایتی برای متربیان گیراتر و نوتر جلوه کند و آنان را به سمت اسلام بکشاند.

تربیت اخلاقی

"تربیت اخلاقی، ترکیبی اضافی متشکل از دو واژه "تربیت" و "اخلاق" است و برای راهیابی هرچه بهتر به مفهوم آن، ابتدا لازم است که هر یک از این واژگان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

تربیت در لغت به معانی: سرپرستی، رهبری، تکامل، به سرانجام نیک رساندن چیزی و به اعتدال درآوردن آمده است. [\(زبیدی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۶۴\)](#) اما درباره معنای اصطلاحی تربیت، دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است و علت این تعریف‌های گوناگون، وجود تفاوت در رویکرد، هدف و راهکارهای تربیتی ارائه شده از سوی آنان است. [\(غامدی، ۱۴۱۸ق، ص ۳\)](#). برخی، تربیت را آماده سازی شرایط پیرامونی فرد در جهت ایجاد تغییرات مطلوب برای رسیدن به رشد و کمال در انسان دانسته اند. [\(حاجی باباییان امیری، ۱۳۹۰، ص ۲۱\)](#) بعضی هم تربیت را در معنای اصطلاحی فعالیتی هدفمند و دو طرفه میان مربی و متربی برای کمک به متربی در جهت تحقق بخشی به قابلیت های وی و پرورش شخصیت او در جنبه های مختلف؛ فردی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و... می دانند. [\(بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۳۵\)](#) واژه "اخلاق" در لغت جمع "خُلُق" است که به معنای: سنجیه، طبع، عادت، مروت، سیما، دین و سیره درونی انسان به کار می رود [\(راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ص ۲۹۷؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۴۷۱؛ فیومی، بی تا، ص ۱۸۰؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۹۳\)](#). از نظر اصطلاحی، اخلاق علمی است که درباره انواع صفات، گرایش‌ها، افعال و برخی از اندیشه های انسان که مربوط به اعمال آدمی است، بحث می کند و بعد از تبیین موارد شایسته از ناشایست، راهکار به دست آمدن جنبه های خوب و جنبه های بد را معرفی می نماید. [\(مسائلی، ۱۳۷۸، صص ۱۱-۱۲\)](#)

در باب معنای اصطلاحی تربیت اخلاقی، تعاریف متعددی مطرح شده که عبارت اند از: ۱- تربیت اخلاقی، پرورش فضائل و زدودن رذایل با هدف رسیدن به سعادت و کمال نفس است. [\(خمینی، ۱۳۹۱، ص ۳\)](#)؛ ۲- حرکاتی که بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر می شود و علت آن نیز ملکه‌های نفسانی است که در جان انسان نفوذ کرده است [\(مسکویه، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷؛ غزالی، بی تا، ج ۳، ص ۵۸\)](#)؛ ۳- عده‌ای با تأکید بر حیطه شناختی، تعریف تربیت اخلاقی را محدود به آموزش نموده اند؛ یعنی اموری که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای تفکر و تشخیص امور درست از نادرست برای کمک به خوب بودن از لحاظ اجتماعی در جهت میل به رفتار، منش اخلاقی و ارزشی انجام می شود را به تربیت اخلاقی تعبیر کرده اند. [\(صانعی، ۱۳۷۸، ص ۱۵\)](#)؛ ۴- تربیت اخلاقی، تربیتی است ناظر بر پرورش استعداد های روحی و اخلاقی فرد که شامل تهذیب نفس و اصلاح درون می شود و بر آموزش های فکری نیز مقدم است. [\(سادات، ۱۳۹۳، ص ۲۴\)](#)؛ ۵- شیوه های قرآنی ارائه شده برای پرورش استعدادها، قوا و گرایش های اخلاقی فرد متربی برای شناخت عمیق اسماء و صفات باری تعالی و آراستن به آنها در حد توان انسان است که در نهایت، سبب رسیدن به نفس مطمئنه، خلافت الهی و تقرب به درگاه خداوند می شود. [\(فیروز مهر، ۱۳۹۳، ص ۲۶\)](#) بنابراین تربیت اخلاقی را می توان عامل محرکه انسان در نیل به اهداف ارزشی دانست که از روح او سرچشمه گرفته و آن نتیجه پرورش استعداد های خود فرد است که به واسطه تهذیب این پرورش در او شکل می گیرد.

تعریفی که این پژوهش به آن ابتناء دارد، انتقال و نحوه انتقال گزاره‌های تربیتی اخلاق محور با بهره‌گیری از دلالت‌های روان‌شناسانه قرآن کریم است؛ دلالت‌هایی که در عصر جاهلیت مورد توجه نبوده و توسط این کتاب مقدس مورد توجه قرار گرفته است، که از آن به اعجاز روان‌شناختی تعبیر می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش مورد نظر از لحاظ شیوه تحلیل در زمره پژوهش های کیفی قرار می گیرد. در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. ابتدا مفاهیم و اصول مرتبط با اعجاز روانشناختی در قرآن کریم توصیف شده است؛ بعد از آن با تحلیل این مواد مفهومی، نقش و اهمیت آنها در تربیت اخلاقی متریبان بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. سطوح بهره‌گیری از اعجاز روان‌شناختی قرآن در تربیت اخلاقی

برای بهره‌گیری از اعجاز روان‌شناختی در تربیت اخلاقی، باید چند سطح مد نظر قرار گیرد که عبارت‌اند از:

۱-۱. تلاش برای فهم نگاه کلان قرآنی در حیطه اعجاز روان‌شناختی

نخستین گام برای فرایند مزبور این است که در سطح کلان، حیطه اعجاز روان‌شناختی قرآن با استناد به خود آیات و مقایسه آموزه‌ها و گزاره‌های قرآنی با گزاره‌های روان‌شناسی عصر نزول و نیز بررسی وضعیت اخلاقی و تربیتی مخاطبان نخستین قرآن روشن گردد. اعراب عصر نزول قرآن که مخاطبین اولیه قرآن کریم بودند سه شیوه را برای فهم قرآن داشتند؛ آنان در شیوه اول چون قرآن به زبان عربی نازل شده بود با شنیدن آیات علاوه بر توجه به جنبه های فصاحت و بلاغت، درک اولیه‌ای از معنای آیه بدست می آوردند که معنای لسانی نامیده می شود. در شیوه دوم مخاطب برای فهم آیات از سایر آیات دیگر قرآن بهره می جوید چراکه ممکن است قبل از نزول یک آیه آیات دیگری با محتوای مشابه نازل شده باشند. یعنی آیات دارای مفهوم نزدیک به هم، در ایجاد درک مسلمانان صدر نزول موثر بوده است. این روش بعدها به تفسیر قرآن به قرآن شهرت یافت که در واقع نوعی فهم قرآنی است. اما شیوه سوم فهم آیات قرآن کریم به واسطه سخنان پیامبر (ص) است چراکه بعد از نزول آیات قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام به تبیین آنان می پرداخت و اگر مسلمانان در مورد این آیات ابهامی داشتند برای رفع آن از ایشان سوال می پرسیدند که این شیوه به فهم روایی نیز شهرت یافت. (فتاحی زاده و زمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷-۱۶۸) حال آنکه در مرحله نگاه کلان قرآنی، باید از تمام داده‌های موجود استفاده شود تا در حد توان بتوان به اطلاعات جامع و شاملی دست یافت.

تلاش برای فهم نگاه کلان قرآن در حوزه اعجاز روان‌شناختی، فراتر از کشف ظرافت‌های روانی زبانی یا تأثیرات احساسی آیات است؛ بلکه این رویکرد، به شناخت نقشه‌ای جامع از شیوه تغییر درونی انسان منتهی می‌شود که قرآن آن را در قالب "تزکیه"، "تثبیت ایمان"، "پالایش انگیزه‌ها"، و "مدیریت هیجانات" سامان داده است. این نگرش کل‌نگرانه به اعجاز روان‌شناختی قرآن، در حقیقت پایه‌گذار نوعی تربیت تمدنی است؛ چراکه تغییر پایدار روانی در فرد، منجر به تحول در رفتار جمعی، نهادهای اخلاقی، و شکل‌گیری فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های الهی می‌گردد. پژوهشگران معاصر تأکید دارند که نظام‌های تمدنی، بدون تکیه بر منابع معنایی و روانی عمیق همچون قرآن، دچار بحران درونی خواهند شد (نصیری و حاجیان، ۱۴۰۱، ص ۹۱؛ کاظمی‌پور و رضایی، ۱۴۰۲، ص ۶۳). بنابراین، فهم نگاه کلان قرآن در حیطه اعجاز روان‌شناختی، پلی است میان معرفت دینی و معماری فرهنگی - تمدنی جامعه اسلامی.

۱-۲. استخراج و تفسیر گزاره‌های دال بر اعجاز روان‌شناختی

در سطح دوم با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از مرحله نخست، باید گزاره‌های دال بر موضوع مزبور در سطوح کلمه، جمله، آیه و سوره و با استفاده از گزاره‌های روان‌شناسی و استناد به تاریخ جاهلی استخراج گردد و با استفاده از روش‌های درست تفسیری، تفسیر شود.

تربیت اخلاقی در منظومه فکری اسلام، نه صرفاً انتقال فضایل، بلکه فرآیندی درونی‌سازی شده بر مبنای خودنظارتی، مراقبه و خودارزشیابی مستمر است. روش‌های خودارزشیابی، مانند محاسبه نفس، مراقبه پیشینی و مراقبت پسینی، به متربی امکان می‌دهد که رفتار خود را بر اساس معیارهای الهی سنجیده و به بازسازی شخصیتی مستمر دست یابد. پژوهشگران معتقدند که کاربرد منظم این روش‌ها، موجب رشد خودآگاهی اخلاقی و تقویت مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود و در سطح کلان، به نهادینه‌سازی فرهنگ اخلاق محور و در نهایت، تقویت بنیان‌های تمدن دینی می‌انجامد (محمدی و کریمی، ۱۴۰۱، ص ۵۱؛ نجفی و کرباسی‌زاده، ۱۴۰۲، ص ۱۰۳). تمدن‌سازی اسلامی، بیش از آن‌که محصول ابزار و فناوری باشد، مبتنی بر تربیت انسان خودنگر، خویش‌شان و مسئول در برابر خدا و جامعه است، و خودارزشیابی در بستر تربیت اخلاقی، بستر اصلی این انسان‌سازی را فراهم می‌سازد.

۱-۳. بررسی نحوه به‌کارگیری گزاره‌ها در تربیت اخلاقی

در سطح و مرحله سوم با بهره‌گیری از داده‌های دو سطح قبل، نحوه کاربست گزاره‌ها در تربیت اخلاقی باید بررسی شود. آنچه در این کاربست باید مد نظر قرار گیرد این است که باید از داده‌های روان‌شناسی روز نیز استفاده نمود و سطوح مخاطبان اولیه و ثانویه قرآن و مسئله زمان و مکان و سایر عوامل دخیل در فرآیند تربیت را مد نظر قرار داد.

۲. محورهای روشی پیوند اعجاز روان‌شناختی قرآن و تربیت اخلاقی

در این بخش، به بررسی انحاء به‌کارگیری دلالت‌های روان‌شناسانه قرآن مجید برای تربیت اخلاقی و پیوند میان اعجاز روان‌شناختی و تربیت اخلاقی متربیان می‌پردازیم.

۱-۲. تربیت اخلاقی با گزینش روش‌های خودارزشیابی

از جمله نکات مربوط به اعجاز روان‌شناختی قرآن در فرآیند تعلیم و تربیت اخلاقی، توجه به کنش‌ها و حرف‌هایی است که بر تعلیم آموزه‌ها به متربیان به شیوه‌های غیرمستقیم و بهره‌گیری از شیوه‌ها و کنش‌های هنری مبتنی است. از جمله گزاره‌های مرتبط با تربیت اخلاقی، مسئله عزت و حقارت نفس است. روان‌شناسان، ریشه اصلی فعالیت‌های انسان را در عناصری مانند عزت نفس و حقارت نفس جستجو نموده و عوامل کامیابی و موفقیت افراد را در عزت نفس، و عوامل شکست‌ها را در احساس حقارت مورد کنکاش قرار می‌دهند (منطقی، ۱۳۷۹، ص ۱۵). چنین فردی همواره در پی این است که بهترین شیوه را برای زندگی خود اتخاذ نماید تا بتواند راه را برای رسیدن به موفقیت خویش هموار سازد و در این مسیر همیشه سعی دارد در موفقیت‌ها و پیشرفت‌های خود، دیگران را سهیم بداند؛ علاوه بر این او هیچگاه به سمت خود تحقیری حرکت نمی‌کند و هرگز ارزش و منزلت خود را تنزل نمی‌دهد. از ویژگی‌هایی که عزت نفس برای انسان به ارمغان می‌آورد خودآگاهی است که باعث می‌شود فرد در مواجهه با بحران‌ها و تصمیم‌های سخت دچار آشفتگی و پریشانی نشود و به اهداف خویش دست یابد زیرا نقاط ضعف و قدرت خود را به خوبی می‌شناسد که باعث می‌گردد از نقاط ضعف خود دور شود و از نقاط قوت خود بیشترین بهره را ببرد. (جوانشیر و عاقل، ۱۴۰۱، ص ۱۶) کارکرد دیگر این خودآگاهی ناشی از عزت نفس، کنترل بیشتر روی احساسات و رفتارهاست که باعث محافظت از فرد در مقابل افکار درست و نادرست می‌شود. اینگونه افراد بر اساس موقعیت‌ها و روابطی که تجربه می‌نمایند بطور مدام در حال تغییر هستند اما این تغییرات مداوم باعث نمی‌شود هویت اصلی خود را از دست دهند علاوه بر این به اضطراب و احساس شکست نیز دچار نمی‌شوند چون بر این تغییرات ایجاد شده کنترل کامل دارند. عزت نفس بجز ایجاد خودآگاهی در فرد، باعث می‌شود وی در برخورد با اهداف زندگی خود، نه بسیار بلند پروازانه رفتار کند و نه اینکه خیلی در مقابل آن دچار محافظه‌کاری شود. (جوانشیر و عاقل، ۱۴۰۱، ص ۱۶)

نقش عزت نفس در تربیت اخلاقی به قدری مهم، کاربردی و دارای جایگاهی ویژه است که استاد مطهری آن را از مبانی اخلاق اسلامی معرفی می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۲). اگر انسان بتواند این تمایل فطری به عزت نفس را از دوران کودکی در درون خود زنده نگه داشته و گفتار و عمل خود را با آن هماهنگ کند، سعادت خود را برای دوران های بعدی زندگی خود پایه ریزی نموده است. (مک گراه، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲). در باب عزت نفس، توجه به این نکته ضروری است که رضایت فرد از زندگی به احساس او در خصوص میزان ارزش خود بستگی دارد، به گونه ای که هر گاه احساس کند عزت نفس اش در معرض خطر قرار گرفته است تلاش می‌کند تا با به‌کارگیری انواع راهبردها و رفتارها احساس ارزشمند بودن خود را حفظ نماید و در این راه با به‌کارگیری تمام توان از خودش دفاع نماید. (کاکیا، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱). بنا بر این، عزت نفس یکی از ارزش های مهم در مقوله تربیت اخلاقی فرزندان است که مورد تاکید قرآن کریم و معصومین (ع) قرار گرفته است و از شاخصه های مهم آن نیز فطری بودن است که باعث می‌شود تمامی انسان ها- در هر سن و صنفی- به آن تمایل داشته باشند و از هر چیزی که آن را به خطر اندازد دوری جویند.

خودارزیابی در قالب اهمیت عزت نفس، در برخی داستان های قرآنی دارای کاربرد است. بدین مفهوم که در برخی از قصص قرآن، تقویت عزت نفس، عاملی در راستای رجوع به اخلاق مداری عنوان گردید و با تقویت عزت نفس، امید به بازگشت به حق نیز تقویت می‌شود. قرآن کریم- در توصیفی روان‌شناختی- به دنبال واقعه‌ای که میان هابیل و قابیل رخ داده و سبب قتل هابیل شد، می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوَاءَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوَاءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ»^۱ (مانده: ۳۱). در این حکایت که قرن‌ها قبل از نزول قرآن رخ داده و خداوند- با هدف تربیتی- به گزارش آن پرداخته، قابیل از اینکه یک کلاغ نحوه تدفین جسد را به او آموزش می‌دهد، احساس حقارت می‌کند و با جمله «یا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ»، این حقارت را بر زبان می‌آورد. در اینجا مشخص می‌شود که تربیت اخلاقی در اسلام، تنها وابسته به فرمان و نص نیست؛ بلکه مشاهده، تفکر و دریافت درونی هم نقش دارد. در این آیه، خداوند با هدف حقیرسازی خطاکار، با زبانی غیرمستقیم مرتبی را مورد خطاب قرار می‌دهد و کار اشتباهش را به وی گوشزد می‌کند و او را به اقرار و امانت‌داری می‌داند تا با "نادم شدن"، زمینه عزت نفس را در خود فراهم آورد. بدین صورت که قابیل بعد از مشاهده رفتار کلاغ، دچار ناراحتی اخلاقی و احساس گناه می‌گردد که این حالت نشانگر حضور وجدان اخلاقی در نهاد انسانی است که می‌تواند بر اثر موقعیت‌ها و نشانه‌ها فعال بشود. نمونه دیگر از این دست را می‌توان در قصه‌هایی از قرآن مانند بنی اسرائیل دنبال نمود که با کفران نعمت، عزت مندی را از کف داده و دچار ذلت نفس شدند قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْتُمْ هُمْ لَا تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَطَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتُكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»^۲ (بقره: ۸۵). در این تعابیر و تعابیر شبیه به آن، تربیت اخلاقی- با محوریت عزت نفس و ارزش های دیگر- به گونه‌ای صورت پذیرفته و نیز توصیه شده که با رفتارها و روش های خشونت‌آمیز و امرانه عصر جاهلیت تفاوتی بسیار دارد. توضیح بیشتر در مورد ارتباط آیه با مقوله عزت نفس اینکه افرادی که به بخشی از ارزش ها پایبند هستند و بخش دیگر را نادیده

۱. و خدا زاغی را برانگیخت که در زمین جستجو کند، تا به او نشان دهد، چگونه [جسد] بد [بوی] برادرش را پنهان کند. [قابیل] گفت: «ای وای بر من! آیا عاجز از اینکه مثل این زاغ باشم و [جسد] بد [بوی] برادرم را پنهان کنم؟!» و (سرانجام) از پشیمانان گردید.

۲. باز این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید، و گروهی از خودتان را از خانه هایشان آواره می‌کنید، و از روی گناه و تجاوز یکدیگر را بر ضد آنان [که آواره کرده اید] یاری و کمک می‌دهید، و اگر آنان در حال اسارت نزد شما آیند، برای آزاد شدنشان فدیة می‌دهید، در صورتی که آواره کردنشان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از کتاب [آسمانی] ایمان می‌آورید و به بخشی دیگر کفر می‌ورزید؟ [حرام بودن جنگ و آواره کردن را مردود می‌شمارید، و وجوب آزاد کردن هم کیشان را از اسارت قبول می‌کنید!] پس کیفر کسانی از شما که چنین تبعیضی را [در آیات خدا] روا می‌دارند، جز خوار و رسوایی در زندگی دنیا نیست، و روز قیامت به سوی سخت‌ترین عذاب بازگردانیده می‌شوند، و خدا از آنچه انجام می‌دهید، بی‌خبر نیست.

می‌گیرند، دچار نوعی شکاف شخصیتی و ارزشی می‌شوند. چنین تناقضی درونی، در درازمدت باعث کاهش عزت نفس می‌شود، زیرا فرد دیگر نمی‌تواند تصویری منسجم و ارزشمند از خود داشته باشد. نیز کشتن دیگران، تبعید، و همکاری با ظلم، نشان‌دهنده فقدان عزت نفس جمعی است؛ چراکه انسان‌هایی که کرامت خود را درک کرده باشند، نمی‌توانند به تحقیر و حذف دیگران دست بزنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۳۰؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۵)

در تربیت اخلاقی با محوریت خودارزیابی، آموزگار و مربی با تأمل در رفتار، ارزش‌ها و مسئولیت‌های دینی و فرهنگی‌شان، ضمن بازشناسی اصول بنیادین تربیت اسلامی (مانند جامعیت، تفاوت‌های فردی، مسئولیت‌پذیری و اخلاص)، زمینه رشد اخلاقی و هویت دینی را فراهم می‌کنند. خودارزیابی ساختاریافته، هنگامی مؤثر است که فرد آن را نه تنها به‌عنوان تکلیف و تشخیص کمی، بلکه به‌مثابه کنشی معنایی و فرهنگ‌ساز در نظر گیرد؛ در این صورت، عمل اخلاقی از سطح فردی به سطح تمدنی ارتقا می‌یابد. بر اساس پژوهش وجدانی و حیدری (۱۴۰۰)، این روش با هشت اصل تربیت دینی همسوست و جایگاه محوری دارد؛ چرا که از طریق آن، فرد می‌آموزد تا به صورت مستمر رفتار خود را با ارزش‌های دینی، فرهنگی و تمدنی جامعه‌اش تطبیق دهد و مسئولانه در جهت تحقق آن درونیایی کند (وجودی و راهبردی).

۲-۲. تربیت اخلاقی با بهره‌گیری از اصلاح روش مند

تربیت اخلاقی با بهره‌گیری از اصلاح روشمند به معنای برنامه‌ریزی آگاهانه، تدریجی و مستمر برای اصلاح رفتارها و نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی در فرد است. در این رویکرد، اصلاح اخلاقی نه به‌صورت مقطعی و واکنشی، بلکه در قالب فرآیندی هدفمند، سنجیده و هماهنگ با شناخت روان‌شناختی و نیازهای وجودی متربی انجام می‌شود. این روش بر پایه‌ی خودآگاهی، خودسازی، الگوپذیری از سیره انبیا و اولیا، و نیز بازخورد مستمر بنا شده است. قرآن کریم نیز با شیوه‌هایی چون موعظه، تذکر تدریجی، قصه‌گویی و اسوه‌سازی، نمونه‌ای از تربیت اخلاقی روشمند را به تصویر می‌کشد (مطهری، ۱۳۷۳، صص ۱۰۰-۱۰۷؛ باقری، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

نکته دیگری که در قرآن مطمح‌نظر بوده و نشان از روان‌محور بودن فرامین آن در سطحی فراتر از درک مخاطبان آن دوران دارد، اصلاح روش مند است که باید در فرآیند تربیت اخلاقی در موقعیت‌های مختلف به‌کار گرفته شود. فرزندان نسبت به شرایط محیطی، خانوادگی و نوع آموخته‌های خود، نوعی شخصیت پیدا خواهند کرد که در این صورت برخی از رفتارها و منش‌هایشان ممکن است مغایر با آموزه‌های دینی باشد. در چنین حالتی مربیان باید با واکنشی منطقی و آگاهانه باعث تحقیر فرزندان نشوند و باید تلاش کنند به شکلی صحیح، رفتارهای ناصواب فرزندان را اصلاح نمایند. یکی از روش‌های درست اصلاح رفتارهای اشتباه متربیان، اصلاح روش مند آن است. به این معنا که، با پذیرفتن و درک کردن وضعیت رفتاری آنان بتوانیم رفتار ناصواب ایشان را در مسیر اصلاح قرار دهیم زیرا اگر آن رفتار را بتوانیم تحمّل کنیم، برخوردمان بی‌اثر خواهد بود و نیز اگر بی‌تفاوت باشیم برخورد ما ممکن است منجر به صحه‌گذاشتن بر آن رفتار ناصحیح باشد. طبق آیات قرآن باید روشی را انتخاب نمود که مبتنی بر حکمت، موعظه نیکو و جدال احسن باشد: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: ۱۲۵).

در نتیجه اصلاح روشمند در قرآن، به‌ویژه در آیه ۱۲۵ سوره نحل، نمود کاملی از یک فرآیند تربیتی تدریجی، آگاهانه و سازگار با فطرت انسانی است. این آیه سه مرحله‌ی دعوت به راه خدا را بیان می‌کند که هرکدام متناسب با سطح درک و آمادگی مخاطب طراحی شده‌اند: نخست، دعوت با حکمت که مخاطب را با برهان و عقل قانع می‌سازد؛ سپس، موعظه نیکو که احساس و وجدان اخلاقی او را

۱. با حکمت و پند نیکو، به راه پروردگارت فراخوان، و با آنان به آن (شیوه‌ای) که نیکوتر است، مناظره کن! در حقیقت پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است و او به (حال) ره یافتگان (نیز) داناتر است

برمی‌انگیزد؛ و در نهایت، مجادله به شیوه‌ای احسن که در صورت وجود تعارض، گفت‌وگو را با ادب، انصاف و احترام هدایت می‌کند. این ساختار مرحله‌به‌مرحله، نشان‌دهنده‌ی روشی دقیق و روان‌شناختی در اصلاح رفتاری است که نه تنها به نتیجه‌محوری، بلکه به ماندگاری تغییر نیز توجه دارد. چنین مدلی از اصلاح، الگویی کم‌نظیر برای نظام‌های تربیتی و فرهنگی به شمار می‌رود.

مصادیق دیگری نیز در قرآن کریم، در مورد اعجاز تربیتی قرآن کریم در راستای اصلاح روش مند می‌توان یافت. از جمله این آیات، آیه ۱۳۴ سوره آل عمران است: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ...» این آیه به تبیین فضایل اخلاقی مانند انفاق در سختی و آسانی، کنترل خشم و عفو دیگران می‌پردازد و به صورت روشمند، گام‌به‌گام تربی را به سمت پرورش این صفات سوق می‌دهد.

در آیه ۲۱۹ سوره بقره نیز مراحل تربیت اخلاقی در تبیین برخی محرّمات مطرح گردیده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ... إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» قرآن ابتدا به آسیب‌های شراب و قمار اشاره می‌کند و سپس به طور تدریجی به ترک آن‌ها دعوت می‌کند؛ این روند نشان‌دهنده اصلاح روشمند در تربیت اخلاقی است.

در آیه ۱۹۹ سوره اعراف نیز در مورد مراحل دعوت به ارزش‌های اخلاقی اینگونه می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» در این آیه، به صورت مرحله‌ای و نظام‌مند، سه توصیه اخلاقی: گذشت، دعوت به خوبی‌ها و پرهیز از جاهلان مطرح شده است؛ که نشان‌دهنده اصلاح تدریجی و روشمند در تربیت است.

تربیت اخلاقی به‌مثابه یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری شخصیت انسانی، هنگامی در سطح تمدنی تأثیرگذار می‌شود که از الگوی اصلاح روشمند بهره‌گیرد؛ چرا که اصلاح روشمند، به معنای بازسازی تدریجی و مبتنی بر عقلانیت در نظام‌های تربیتی، زمینه‌ساز نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در ساحت‌های مختلف فرهنگی و تمدنی است. در واقع، اگر فرآیند تربیت اخلاقی بر پایه‌ی روش‌مندی علمی، شناخت موقعیت‌های تاریخی و فرهنگی و استفاده از منابع دینی سامان یابد، قادر خواهد بود به ارتقاء فرهنگ عمومی و تحکیم بنیان‌های تمدن اسلامی بینجامد (رستگار، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴). چنین نگرشی مبتنی بر این اصل قرآنی است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ یعنی اصلاح بیرونی در گرو اصلاح درونی و تربیت اخلاقی هدفمند است.

۲-۳. تربیت اخلاقی با نظرداشت نهادینه‌سازی عقیده و رفتار

نکته تربیتی دیگری که در عصر جاهلیت بسیار مغفول بوده اما مورد استفاده و توصیه قرآن کریم قرار گرفته، نهادینه‌سازی عقیده و رفتار با بهره‌گیری از روش‌های مستمر و گام‌به‌گام و نیز توجه به موقعیت‌هایی است که باید گزاره‌ای در آن به متربی منتقل گردد. اسلام، زیست فردی و اجتماعی مردم را متن قرار داده و بر آن حاشیه می‌زده و هر جا می‌دیده که فلان رفتار یا معامله - با زیست درست مردم - تناسبی ندارد، آن را اصلاح می‌کرده است (گیلانی و میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۶۸) اما گاهی بستر و محیط اجتماعی و فرهنگی به‌گونه‌ای بود که امکان اصلاح احکام در بازه زمانی کوتاه‌مدت وجود نداشت بلکه می‌بایست بستر لازم فراهم شود تا تعلقات محیطی و قبیله‌ای و ارزشی کم‌رنگ‌تر شده و امکان تغییر و اصلاح فراهم آید، چرا که هدف اسلام هدایت مردم بوده و هدایت‌گری فرآیندی مدت‌دار و گام‌به‌گام است مخصوصاً در مسائلی که جزء چالش‌های عصر جاهلیت محسوب می‌شده است. به عنوان مثال، قرآن در زمینه اصلاحات اجتماعی و اخلاقی، به ویژه در مسائلی چون آزادسازی بردگان و پرداخت دیه (خون‌بها)، رویکردی تدریجی داشته است. این

تدریج‌گرایی برای فراهم کردن زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و روانی لازم در جامعه آن زمان انجام شده تا تغییرات به صورت پایدار و بدون تنش اجرا شوند.

تربیت اخلاقی هنگامی به ثمر تمدنی می‌نشیند که با نهادینه‌سازی عقیده و رفتار در لایه‌های فردی و جمعی همراه شود؛ به عبارتی، اخلاق صرفاً در سطح گفتار یا تعلیم باقی نمی‌ماند، بلکه باید در رفتارهای روزمره و نظام‌های اجتماعی تثبیت گردد تا بتواند بستری برای فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی فراهم آورد. نهادینه‌سازی، به معنای تبدیل ارزش‌ها به هنجارهای پایدار، مستلزم پیوند عمیق میان باورهای دینی، کنش‌های اخلاقی و ساختارهای فرهنگی است (زارع، ۱۴۰۲، ص ۹۱). از این منظر، فرهنگ و تمدن دینی زمانی شکوفا می‌شود که تربیت اخلاقی نه تنها به تبیین عقاید و فضایل بپردازد، بلکه آنها را به الگوهای رفتاری پایدار و نهادینه‌شده در جامعه بدل کند؛ همان‌گونه که قرآن کریم هدف از بعثت پیامبر را «تَرْكِيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲) معرفی می‌کند که نشان از پیوند آموزش، تزکیه، و نهادسازی دارد.

۱. آزادسازی بردگان به عنوان راهکار اصلاحی

بردگی در جامعه جاهلی عربستان، نظامی پذیرفته‌شده و گسترده بود. قرآن به صورت ناگهانی بردگی را ممنوع نکرد، بلکه به صورت مرحله‌ای، آزادسازی بردگان را به عنوان عملی پسندیده و عبادت مورد تأکید قرار داد: آیات متعددی آزادسازی بردگان را وسیله کفاره گناهان معرفی می‌کند، مثلاً در آیه ۸۹ سوره نور آمده است: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلُّوا بَيْنَ النَّاسِ...» در ادامه به آزادسازی برده برای جبران پیمان‌شکنی اشاره شده است. نیز آیه ۹۶ سوره نساء می‌فرماید: «فَكَفَّارَةٌ ذَلِكَ أَطْعَامٌ مِسْكِينٍ أَوْ كِسْفَةٌ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ...» این آیه آزادسازی برده را یکی از کفارات و راه‌های پاکسازی گناهان معرفی می‌کند. این روش تدریجی باعث شد که آزادسازی بردگان به عنوان یک ارزش اخلاقی در جامعه جا بیفتد و به مرور زمان باعث کاهش بردگی و بهبود شرایط انسانی شود.

۲. پرداخت دیه (خون‌بها) به عنوان جایگزین قصاص سخت‌گیرانه:

در جوامع قدیم، قصاص سخت‌گیرانه معمول بود. قرآن برای کاهش خشونت و افزایش رحمت، پرداخت دیه را مطرح کرد. در آیه ۴۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» قصاص به عنوان عدالت معرفی شده، اما هدف از آن حفظ حیات و بازدارندگی است. در آیات بعدی (بقره ۱۷۸) پرداخت دیه به عنوان گزینه جایگزین یا تکمیل‌کننده قصاص ذکر شده است.

تدریج در این قوانین موجب شد جامعه کم‌کم از نظام خشونت‌آمیز به نظامی عادلانه‌تر، متکی بر بخشش و جبران تغییر کند. در نتیجه تدریج در حکم آزادسازی بردگان و پرداخت دیه، نمونه‌ای از حکمت و تدبیر الهی در قرآن است که با رعایت شرایط اجتماعی و روانی مخاطبان، زمینه‌ی پذیرش و اجرای اصلاحات اخلاقی و اجتماعی را فراهم می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود تغییرات پایدار و همراه با پذیرش عمیق در جامعه شکل گیرد، نه یک تحول ناگهانی و مقاومتی.

۲-۴. تربیت اخلاقی بر مبنای تکرارهای مصلحت‌محور و نظر داشت تفاوت‌های مخاطبان

از جمله پیوندهای دیگر اعجاز روان‌شناختی قرآن و تربیت اخلاقی، منش "تکرار" است. از جمله این موارد می‌توان به نحوه خطاب خداوند با قوم عرب و بنی اسرائیل اشاره نمود چرا که خداوند هنگام حرف زدن با قوم عرب، با اشاره و اختصار و گذرا سخن می‌گوید اما هنگام تکلم با بنی اسرائیل، بسیار مبسوط حرف می‌زند (جاحظ، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۶۴) که از نگاه برخی از اندیشمندان، این موجزگویی به خاطر امی بودن اعراب است (ابوزهره، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۹).

بر مبنای مطالعات صورت گرفته در عصر جدید، تکرارهای قرآنی عاملی برای تثبیت آموزه‌ها در نفس انسان است چنانکه یکی از پژوهش‌گران معاصر می‌نویسد: «مطالعات روان‌شناختی بعد از تجربه‌ها و آزمون‌های طولانی به این نقطه منتهی شده که قوی‌ترین و تأثیرگذارترین اسلوب جهت استحکام و استواری سخن در ذهن مخاطب و اقناع او، بهره‌گیری از اسلوب تکرار است» (بنت الشاطی، بی-تا، ج ۱، ص ۷۹). چنانکه این نگاه را می‌توان در آیاتی مانند «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ* ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (تکواثر: ۳-۴) مشاهده کرد. علاوه بر این، هم‌سنخی میان نحوه پرسش و پاسخ می‌تواند از تکرارهای قرآنی برداشت شود چنانکه در سبب نزول سوره کافرون آمده است که: «جماعتی از قریش به حضور پیامبر (ص) رسیدند و گفتند: ای محمد! با ما موافقت کن تا ما نیز با تو موافقت کنیم؛ یک‌سال خدایان ما را عبادت کن تا ما نیز یک‌سال خدای تو را عبادت کنیم. اگر دین ما بهتر باشد، تو از آن بی‌نصیب نمی‌شوی و چنانچه دین تو بهتر باشد، ما از آن خیر بی‌نصیب نخواهیم بود... جبرئیل فرود آمد و این سوره را آورد و تکرار آن برای این است که جواب آن‌ها را مانند خود ایشان بدهد» (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۵۱۶).

در تربیت اخلاقی متریان، باید از فرآیند تکرار در موقعیت مناسب بهره برد و اتخاذ این روش، نسبی بوده و بستگی به مقتضیات و نگرش مربیان و سطوح کمی و کیفی متریان دارد.

۲-۵. تربیت اخلاقی با هدف ثبات و مقاومت‌سازی شخصیتی

از دیگر گزاره‌های مهم روانشناختی مطرح شده در قرآن کریم و همچنین یکی از مهمترین ارزش‌های اخلاقی را می‌توان مفهوم صبر عنوان نمود که نقشی بی‌بدیل را در تربیت اخلاقی فرزندان دارد. علمای علم اخلاق نیز صبر را نوعی ثبات نفس معرفی کرده‌اند به‌گونه‌ای که فرد هرگز پریشان خاطر نشود. (نراقی، ۱۳۸۵، ص ۶۹۴) که بنابر این تعریف یکی از نتایج صبر را می‌توان دوری از افکار بیهوده و آزار دهنده دانست و این امر نشان دهنده‌ی رابطه این گزاره روانشناختی با روح آدمی است. قرآن کریم در خصوص این گزاره روانشناختی که از ارزش‌های اخلاقی نیز بشمار می‌رود می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳). در علم روانشناسی، صبر بر معصیت معادل مهارت‌های جنسی، پرخاشگری، تکانه‌های خوردن، شهوت در گفتار و گرایش به قدرت و ثروت است. صبر بر طاعت نیز به مفهوم خودگردانی نزدیک است که آن عبارت است از هنگامی که فرد برای کسب نتیجه‌ای یا دوری‌گزینی از پیامدی، کنش‌ها، گفتارها و نگرش‌هایی را انجام داده یا ترک کند که آن فرد می‌تواند به‌گونه‌ای خاص باشد یا نباشد. در تعریف مذکور، انجام کار ناظر به صبر در طاعت و ترک آن ناظر به خویشترداری برای ترک گناه است. (نوری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵) و نیز صبر در مصیبت را می‌توان در روانشناسی معادل مفهوم "تحمل" دانست که این مفهوم در علم روانشناسی خود دارای دو معناست؛ یکی، میزان تحمل افراد در خصوص مصرف مواد روان‌گردان و دیگری مقاومت در برابر تنیدگی، درد و فشار روانی که از موارد تنش‌زا نشأت می‌گیرد. (نوری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶) از نگاه روانشناختی صبر یک ویژگی روانی و نوعی ثبات درونی بشمار می‌آید که نقشی ارزشمند در پیشگیری و درمان سلامت و ثبات در زندگی ایفا می‌کند و به همین دلیل است که امروزه بعنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های سلامت روحی و روانی انسان مورد توجه اندیشمندان علم روانشناسی قرار گرفته است. صبر است که به افراد خودشکوفای این امکان را می‌دهد به اهداف والای خود بدون درگیر شدن با خواسته‌های زودگذر برسند؛ این افراد با مدد از صبر مسیر موفقیت را برای خود و دیگران هموار می‌نمایند؛ صبر به اینگونه انسان‌ها می‌آموزد که چگونه در مقابل آنچه که از نظر آنان نادرست است بایستند و از خود جسارت نشان دهند و در نتیجه باعث می‌شود در مباحثه‌ها نیز بدون تعصب و افراط مقصود خود را برای حل مشکل بیان کنند. بنابراین صبر عاملی

۱. «ای اهل ایمان از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید زیرا خدا با صابران است.»

است برای ارتقای سطح رفتارها و روابط اجتماعی یک فرد که علاوه بر آن فرد را در برابر امور زندگی خویشندار می نماید و باعث می گردد در برابر تنگناها و گرفتاری های روزانه کمتر بی تاب شود و با کنش های عقلانی صحیح با مسائل برخورد کند. صبر به فرد این امکان را می دهد در برابر احساسات و عواطف و بخصوص طغیان ناگهانی کنش های درونی و بیرونی مقاومت کند. (ربیع و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۶)

از کارکردهای مهم صبر که در علم روانشناسی مورد توجه فراوان قرار گرفته است، کاستن از بار فشارهای روانی است که عبارت است از: شرایطی که حاصل تعامل فرد با محیط است و باعث بروز ناهماهنگی بین توانایی های زیستی، روانی و اجتماعی فرد با پیامدهای یک موقعیت می شود. در واقع اگر بردباری و صبر کافی درون فرد وجود داشته باشد، این فشار روانی به وجود نمی آید. (نوری، ۱۳۸۷ ص ۱۵۰) در واقع میان صبر و مباحث روحی و روانی پیوندی ناگسسته وجود دارد. و از آن جهت که مرتبط با کنش ها، نگرش ها و رفتار آدمی است از دیدگاه تربیتی نیز مهم است و به خاطر نقش خانواده در تربیت انسان این مقوله نیز باید توسط مربیان جدی گرفته شود و آنان باید سعی در نهادینه سازی این ارزش اخلاقی در متربیان نمایند.

البته باید توجه داشت که ثبات و مقاوم سازی شخصیتی تنها منحصر به فضیلت اخلاقی صبر نیست. مفهوم تربیت اخلاقی با هدف ثبات و مقام سازی شخصیتی در بسیاری از آیات قرآن، به وضوح دیده می شود؛ جایی که هدف تربیت صرفاً اصلاح موقت یا ظاهری نیست، بلکه ساختن شخصیتی استوار، با اخلاق و پایدار است؛ شخصیتی که در برابر سختی ها، وسوسه ها و لغزش ها ثابت قدم بماند. به عنوان مثال در این زمینه در آیه ۲۷ سوره ابراهیم آمده است: «يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...» (خداوند کسانی را که ایمان آورده اند، با گفتار استوار در زندگی دنیا و آخرت پایدار می گرداند...) این آیه به روشنی به ثبات روانی، ایمانی و اخلاقی اشاره دارد؛ یعنی مؤمنی که تحت تربیت الهی قرار گرفته، به مرحله ای از استواری در باور و عمل می رسد که لغزش ها و شرایط سخت، او را از مسیر خارج نمی کند. واژه «القول الثابت» نشان دهنده پایداری گفتار و باور است که ریشه در شخصیت ساخته شده دارد. شخصیت مقام دار، در برابر فشارهای اجتماعی، نفسانی یا شیطانی دچار بحران نمی شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۷۰).

لذا ثباتی که در این آیه وعده داده شده، نتیجه ایمان، تقوا، و پذیرش تربیت الهی است؛ یعنی کسانی که از مسیر قرآنی تربیت می شود، به مقام «استقامت» و «ثبات» می رسد.

۲-۶. تربیت اخلاقی با تکیه بر اصولی نظیر تغافل

تغافل به معنای نادیده گرفتن آگاهانه برخی خطاها یا لغزش های دیگران است، نه به معنای غفلت واقعی. این اصل، یکی از مهارت های مهم در ارتباطات انسانی به شمار می رود که در روان شناسی مثبت گرا و اخلاق اسلامی نیز جایگاه ویژه ای دارد. روان شناسی مدرن، خصوصاً در حوزه روابط بین فردی، تأکید دارد که تمرکز مداوم بر خطاهای دیگران می تواند به تخریب رابطه، افزایش تنش و کاهش احساس رضایت منجر شود (گوتمن و سیلور، ۱۹۹۹م، ص ۷۹). برعکس، نوعی نادیده انگاری انتخابی و هوشمندانه می تواند موجب تقویت روابط اجتماعی، افزایش مدارا و کاهش تعارض شود.

در قرآن کریم نیز اصل تغافل در قالب توصیه به عفو، اعراض و نیکی در برابر بدی نمود پیدا کرده است. آیه ۹۶ سوره مؤمنون می فرماید: اَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ؛ که اشاره به واکنش نیکو در برابر بدی دارد، مفهومی که با تغافل نزدیک است. همچنین در آیه ۶۳ سوره فرقان، از بندگان خاص خدا با ویژگی «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» یاد شده است؛ یعنی در برابر

رفتار ناپسند جاهلان، با آرامش و بی‌اعتنایی برخورد می‌کنند. این آیات بر ظرفیت روانی بالا و خودکنترلی در روابط انسانی تأکید دارند که از ارکان تربیت اخلاقی در اسلام است.

از دیدگاه تربیتی، تغافل می‌تواند در تربیت فرزندان و دانش‌آموزان نیز مؤثر باشد. والدین و مربیان که در برابر برخی اشتباهات کوچک فرزندان خود واکنش شدید نشان نمی‌دهند، زمینه‌ای برای رشد اعتماد به نفس، اصلاح تدریجی رفتار و پویایی اخلاقی فراهم می‌کنند. (نصیری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳) همچنین در مدیریت روابط زناشویی و اجتماعی، تغافل هوشمندانه موجب تقویت پیوند عاطفی و کاهش اصطکاک می‌شود.

بنابراین، اصل تغافل را می‌توان تلفیقی از خودآگاهی، صبر و مدارا دانست که هم در منابع دینی و هم در رویکردهای نوین روان‌شناسی به آن توصیه شده است. نهادینه کردن این اصل در نظام تربیتی، نه تنها اخلاق فردی بلکه سلامت روانی جامعه را نیز ارتقاء می‌بخشد. تحلیل اصل تغافل در قرآن نشان می‌دهد که این مفهوم، علاوه بر جنبه‌های اخلاقی و رفتاری، وجهی اعجازگونه نیز دارد. قرآن با ظرافتی بی‌نظیر، تغافل را نه به عنوان ضعف یا تسامح بی‌جا، بلکه به مثابه راهبردی اخلاقی و تربیتی مطرح می‌کند که مبتنی بر شناخت دقیق روان انسان و سازوکارهای تعادل روانی و اجتماعی است. برای نمونه، آیه اذفع بالتي هي أحسن (مؤمنون: ۹۶) بر واکنش مثبت در برابر بدی تأکید دارد، که این سطح از کنترل احساسات و هدایت رفتار، نیازمند شناختی عمیق از ساختار درونی انسان است؛ امری که از دیدگاه اعجاز علمی قرآن در حوزه روان‌شناسی قابل تأمل است. این سطح از درک روان‌شناختی و تربیتی، آن هم در متنی متعلق به بیش از ۱۴ قرن پیش، جلوه‌ای از اعجاز تربیتی قرآن به شمار می‌آید، زیرا مفاهیمی چون خودمهاری، کنترل هیجانات، و مدیریت تعارضات، قرن‌ها بعد در روان‌شناسی مدرن به‌طور علمی مورد توجه قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه که در خصوص پیوند اعجاز روان‌شناختی قرآن و تربیت اخلاقی متریان بیان نمودیم، نتایج پژوهش حاضر از قرار ذیل است:

۱. قرآن کریم با آگاهی از شئون روان انسان و زوایای پنهان روح که مکتوف دانش نبوده است، مجموعه‌ای از مبادی، مفاهیم و اصول روانی را به کار بسته تا گزاره‌های هدایتی را به پویاترین و مانا ترین وجه ممکن، به متریان منتقل ساخته و عقائد صحیح را در آنان نهادینه سازد؛ و این، معنای مراد از اعجاز روان‌شناختی است.
۲. برای تربیت اخلاقی بر مبنای دلالت‌های اعجاز روان‌شناختی قرآن باید در سه سطح: «فهم نگاه کلان اعجازی»، «استخراج و تفسیر گزاره‌های دال بر اعجاز روان‌شناختی» و «بررسی نحوه به‌کارگیری داده‌ها در تربیت اخلاقی» بازکاوی شود.
۳. محورهایی که در بُعد روشی می‌تواند در وهله نخست قرار گیرد عبارت‌اند از: تربیت اخلاقی با روش سلبی نرم؛ به‌کارگیری اصلاح روش‌مند؛ نهادینه‌سازی و ماناسازی عقائد در حیطه رفتاری؛ بهره‌گیری از اعمال تکرارهای اقتضاء‌محور در فرآیند تربیت اخلاقی و پرورش ثبات شخصیتی با استفاده از عوامل مقاوم‌سازی روح.
۴. در یک نگاه کلی، اعجاز روان‌شناختی قرآن نقش محوری در فرآیند تربیت اخلاقی متریان دارد؛ چراکه قرآن با شناخت دقیق از ابعاد روانی انسان، از روش‌هایی چون تدریج، تکرار هدفمند، تصویرسازی ذهنی، برانگیختن عاطفه، و خطاب مستقیم به فطرت، زمینه پذیرش و درونی‌سازی فضایل اخلاقی را فراهم می‌سازد. این اعجاز نه تنها در محتوای آموزه‌ها

بلکه در شیوه بیان آن‌ها نیز نمایان است؛ به‌گونه‌ای که متربی بدون تحمیل، به اصلاح نفس، تقویت وجدان اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت متعادل و مسئولیت‌پذیر سوق داده می‌شود. از این رو، قرآن کتابی صرفاً تعلیمی نیست، بلکه سامانه‌ای روان‌فهم و تربیتی است که با زبان دل و ذهن، انسان را به تعالی اخلاقی هدایت می‌کند.

۵. در یک جمع‌بندی کل‌نگر، می‌توان گفت اعجاز روان‌شناختی قرآن نه‌تنها در عمق نفوذ کلام الهی در جان متربیان، بلکه در تأثیرگذاری پایدار بر شکل‌گیری تربیت اخلاقی آنان تجلی می‌یابد. قرآن با بهره‌گیری از شیوه‌هایی نظیر خطاب مستقیم، تکرار هدفمند، تعلیق روانی، قصه‌پردازی هدایتی و برانگیختن احساسات مثبت و منفی، مخاطب را از درون متحول می‌سازد و این تحول روانی را به عرصه کنش اخلاقی و اجتماعی گسترش می‌دهد. این نوع تربیت اخلاقی درون‌زاد و تحول‌محور، زمانی که در سطح اجتماعی گسترش یابد، خود به بستری برای شکل‌گیری فرهنگ و تمدنی مبتنی بر توحید، عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت جمعی تبدیل می‌شود. از این رو، اعجاز روان‌شناختی قرآن را می‌توان یکی از عمیق‌ترین پیشران‌های تمدن‌سازی دینی دانست، چراکه با پرورش انسان متعادل اخلاق‌مدار، پایه‌های تمدن توحیدی را استوار می‌سازد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

- قرآن مجید (رضایی اصفهانی، مترجم).
 ابوزهره، محمد. (۱۴۱۸ق). المعجزة الكبرى القرآن. دارالفکر العربی.
 اتکینسون، ریتا و همکاران. (۱۳۷۸). زمینه روانشناسی (براهنی و دیگران، مترجم). رشد.
 ایچی، عبدالرحمان بن احمد. (بی‌تا). المواقف فی علم الکلام. عالم الکتب.
 ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۷۸). مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید (فریدون بدره‌ای، مترجم). نشر و پژوهش فرزاد.
 باقری، خدایار. (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. سمت.
 بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع. صدر.
 بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن. (بی‌تا). التفسیر البیانی للقرآن الکریم. دارالمعارف.
 بهشتی، محمد. (۱۳۸۶). مبانی تربیت در قرآن. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 پارسا، محمد. (۱۴۰۰). اخلاق و تمدن در قرآن. فصلنامه تمدن‌پژوهی دینی، ۲(۴)، ۱۵۰-۱۷۲.
 جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۴۲۴ق). الحیوان. دارالکتب العلمیه.
 جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). تفسیر موضوعی قرآن کریم. اسراء.

جوانشیر، عباس؛ و احمد، عاقل. (۱۴۰۱). تحلیل پیام‌های عزت نفس از منظر قرآن، احادیث و روانشناسی، دو فصل نامه علمی-تخصصی مطالعات حدیث پژوهی، ۷(۱۳)

۲۰-۲۰.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). تاج اللغة و صحاح العربیة (احمد عبدالغفور عطار، محقق). دارالعلم للملایین.

حاجی باباییان امیری، محسن. (۱۳۹۰). روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام. انتشارات سروش.

حلی، حسن بن یوسف بن المطهر. (۱۴۲۲ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. مؤسسه نشر اسلامی. رازی، محمد بن عمر. (۱۴۱۱ق). المحصل و هو محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من الحکما و المتعلمین. مکتبه دار التراث. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۳۲). مفردات فی غریب القرآن. المکتبه الرضویه. ربیع، وجیهه و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی مقام «صبر» در متون عرفانی ادب فارسی و راهکارهای علمی آن در روانشناسی مثبت گرا. نشریه جستار های نوین ادبی، ۵۲، (۲)، ۷۹-۱۰۳.

<https://doi.org/10.22067/jls.v52i2.80298>

رستگار، محمد. (۱۴۰۱). تربیت اخلاقی و تمدن‌سازی در پرتو آموزه‌های دینی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآنی مهر. پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن. رضایی اصفهانی، حسن. (۱۳۹۷). تمدن‌سازی در قرآن. مؤسسه فرهنگی معارف وحی. زارع، علیرضا. (۱۴۰۲). نقش تربیت اخلاقی در نهادینه‌سازی فرهنگ دینی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). زبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۸۶). تاج العروس من جواهر القاموس. دارالهدایه. سادات، محمد علی. (۱۳۹۳). اخلاق اسلامی. سمت. سالاری فر، محمد رضا و همکاران. (۱۳۹۲). روانشناسی اجتماعی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. شجاعی، محمد صادق. (۱۳۸۳). توکل به خدا: راهی بسوی حرمت خود و سلامت روان. انتشارات مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره). صانعی، سید مهدی. (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. دانشگاه فردوسی. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). تفسیر جامع الجامع مرکز مدیریت حوزه علمیه قم. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۲). مجمع البیان لعلوم القرآن. ناصر خسرو. طیب حسینی، سید محمود؛ و مرتضوی، سید ابراهیم. (۱۴۰۰). اعتبار سنجی نظریه اعجاز روانشناختی قرآن کریم با تأکید بر آراء امین خولی. آموزه های قرآنی، ۳۳(۳)، ۲۶۳-۲۸۲.

<https://doi.org/10.30513/qd.2021.1324>

عباسی نژاد، محسن و همکاران. (۱۳۸۴). قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی. بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه. غامدی، عبدالرحمن بن حجر. (۱۴۱۸ق). مدخل إلى التریبۃ الاسلامیة. دار الخریجی للنشر و التوزیع. غزالی، ابوحامد محمد. (بی تا). احیاء علوم الدین. دار القلم. فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱۴۱۹ق). العین (مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، محقق). مؤسسه دار الهجره. فتاحی زاده، فتحیه؛ و زمانی، آذر. (۱۳۹۸). بررسی فهم مخاطبین عصر نزول از آیات علمی نظور جنب فصلنامه قرآن و علم، ۱۳(۲۵)، ۱۶۳-۱۸۰.

<https://doi.org/10.22034/qve.2019.3722>

فیروز مهر، محمد مهدی. (۱۳۹۳). تربیت اخلاقی با نگاهی قرآنی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی. منشورات دار الرضی. قرآتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. درس‌هایی از قرآن. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دار الکتب الاسلامیة. کاکیا، لیدا. (۱۳۸۱). نگرشی نو به تربیت جوان. تابان. کاظمی پور، مهدی؛ و رضایی، زهرا. (۱۴۰۲). نقش الگوهای روانی - اخلاقی قرآن در فرآیند فرهنگ‌سازی. فصلنامه دین و روان، ۶(۱)، ۶۰-۷۵. محمدی، حسین؛ و کریمی، الهام. (۱۴۰۱). تحلیل نقش روش‌های خودارزشیابی در تربیت اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، ۱۵(۲)، ۶۶-۵۰.

مرویان حسینی، سید محمود؛ و حسینی، سید ابوذر (۱۳۹۲). بررسی اعجاز روانشناختی قرآن کریم. قرآن و علم، ۱۳(۷)، ۹۷-۱۲۶.

مسائلی، احمد رضا. (۱۳۷۸). فلسفه اخلاق و علم اخلاق. انتشارات کانون پژوهش. مسکویه، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۲ق). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. انتشارات بیدار. مصطفوی، حسن. (بی تا). التحقیق فی کلمات القرآن. دارالکتب العلمیه. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا. مطهری فر، محمدرضا. (۱۴۰۰). رویکرد روان‌شناختی در اعجاز قرآن. فصلنامه مطالعات اعجاز قرآن، ۳(۱)، ۹۵-۱۱۷. مک گراوه، فلیپ. (۱۳۸۷). خویشتن شناسی و عزت نفس (اقدس رضایی، مترجم). نسل نواندیش. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. دار الکتب الاسلامیة.

منطقی، مرتضی. (۱۳۷۹). روانشناسی تربیت. جهاد دانشگاهی.

نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۵). معراج السادة. طوبای محبت.

نصیری، سیده زینب؛ و حاجیان، حسن. (۱۴۰۱). بازخوانی اعجاز روان‌شناختی قرآن با رویکرد تمدنی. فصلنامه مطالعات تمدن اسلامی، ۳(۲)، ۷۰-۹۱.

نوری، نجیب‌الله. (۱۳۸۷). بررسی پایه‌های روانشناختی و نشانگان صبر در قرآن. نشریه روانشناسی و دین، ۱(۴)، ۱۴۳-۱۶۸.

یوسفی، اکرم؛ و همکاران. (۱۳۹۹). تأثیر روان‌شناختی آیات اخلاقی قرآن بر تربیت شخصیت. پژوهشنامه روان‌شناسی دین، ۷(۲)، ۵۰-۷۶.

Gottman, J. M., & Silver, N. (1999). The Seven Principles for Making Marriage Work. Crown Publishing Group.

مقالات آماده انتشار